

نقش تاب‌آوری اجتماعی در بروز ناآرامی‌های اجتماعی؛

مطالعه موردی ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱

سید جواد حسینی^۱، علیرضا محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

چکیده:

تاب‌آوری اجتماعی که به ظرفیت و توان افراد اجتماع، گروه‌های اجتماعی و جوامع در رویارویی و پیکار با شدائد و امکان برون‌رفت از مضایق اطلاق می‌گردد؛ با دیگر مفاهیم اجتماعی ارتباط یافته و ضمن اثرپذیری از آن‌ها و بر آن‌ها اثرگذار نیز می‌باشد. تحقیق حاضر با طرح این پرسش که «کاهش تاب‌آوری اجتماعی چه نقشی در بروز ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران داشته است؟»، به کاوش در دستیابی به نقش کاهش تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری و بروز ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. این پژوهش با بهره‌برداری از روش اسنادی به گردآوری داده‌های مرتبط پرداخته و با اتخاذ روش مطالعه موردی و در چارچوب تحلیل روندی به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده مبادرت ورزیده است. از آن رو که هدف تحقیق حاضر بررسی نقش تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران است؛ اثر منفی مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی؛ هم‌چون سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد عمومی، فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی تحمیلی، بر سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. نقصان مولفه‌های مذکور، از یک‌سو سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی را با کاهش مواجه ساخته و زمینه‌ساز خلق پاره‌ای از علل بروز ناآرامی‌های اجتماعی پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی گردیده است. از دیگر سو، مولفه‌های مذکور به همراهی روند کاهش تاب‌آوری اجتماعی پرداخته و به برآیند منفی تجمیع کاهش تاب‌آوری اجتماعی و نقصان مولفه‌های مطروحه یاری رسانیده است. از این روی انباشت تقلیل سطح کیفی کاهش تاب‌آوری اجتماعی و نقصان مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی نیز به آفرینش ناآرامی‌های اجتماعی یاری رسانیده است.

واژگان اصلی: تاب‌آوری، تاب‌آوری اجتماعی، ناآرامی اجتماعی، ایران.

۱. استادیار علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

s.j.hosseini66@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی و عارف اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ایران

مقدمه

تاب‌آوری مفهومی بدیع و نوظهور در حوزه‌ی علوم اجتماعی بوده که تعمیم آن به عرصه‌ی اجتماع تاب‌آوری اجتماعی را خلق نموده است. تاب‌آوری اجتماعی مفهومی پیچیده، چند لایه چند بعدی است که می‌توان بر اساس سه ویژگی به تعریف آن مبادرت نمود. اولاً لحظه‌ای است که در آن میزان اختلالی که جامعه قادر به جذب آن بوده در حالی که عملکرد خویش را حفظ کرده و پیوستگی رفتار خود را از دست ندهد، پدیدار می‌گردد. ثانیاً آن نقطه‌ای است که جامعه در آن از امکان خودسازماندهی برخوردار بوده و دچار اختلال نخواهد شد. و ثالثاً هنگامه‌ای است که جامعه ذیل آن به یادگیری و سازگاری پرداخته و به کُزی نمی‌گراید (Marshall et al., 2007: 360).

کاهش تاب‌آوری اجتماعی نیز با مخاطراتی همراه است. در واقع نمودار بیرونی کاهش تاب‌آوری اجتماعی را می‌توان در مولفه‌هایی جست که شکل دهنده و قوام بخش ارتباط حاکمیت و گروه‌های اجتماعی، جامعه‌ی مدنی، مردم و... بوده و به افزایش فاصله‌ی میان دو مبدأ مذکور و کاهش ارتباط ثمربخش آن منجر می‌گردند. کاهش تاب‌آوری اجتماعی به متراکم شدن این شکاف‌های جدید با شکاف‌های دیگر یاری رسانیده و نیروهای اجتماعی را با مخاطرات سیاسی - اجتماعی همراه می‌نماید.

کاهش تاب‌آوری اجتماعی توانایی خلق ناآرامی‌های اجتماعی را داشته و تغییر کیفی مولفه‌ها و شاخص‌های آن عاملی اثربخش در شکل‌گیری شورش‌های اجتماعی تلقی می‌شود. تدقیق در ناآرامی‌های اجتماعی بیانگر این امر است مطالبه‌ی قاطبه‌ی ناراضایت‌مندان بسیج شده در محدوده‌ی شبکه‌های سیاسی‌کنشگری اجتماعی، تغییرات بنیادین سیاست-محور می‌باشد. ناآرامی‌های اجتماعی خالق شبکه‌هایی از کنشگران تجدیدنظر طلبی‌اند که شالوده‌ی اصلی برای کنش‌گرایی در راستای تغییرات اجتماعی را پدید می‌آورند. افزون بر این شبکه‌های اجتماعی کانونی مخلوق ناآرامی‌های اجتماعی باعث و انگیزاننده‌ی تغییرات فرهنگی بسیار بزرگی بوده و به اتساع قلمرو فرهنگی-سیاسی خویش به زبان پارادایم فرهنگی حاکم و مسلط می‌اندیشند (جانستون، ۱۳۹۸: ۲۰).

پرسش اصلی پژوهش حاضر بدین صورت طرح گشته است: «کاهش تاب‌آوری اجتماعی چه نقشی در بروز ناآرامی‌های اجتماعی پاییز ۱۴۰۱ داشته است؟». از این روی با تدقیق در هدف تحقیق، طرح سوالات فرعی بدین شکل صورت پذیرفته است: «تاب‌آوری اجتماعی از چه مولفه‌هایی تشکیل گشته است؟» و «مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی چه نقشی در کاهش تاب‌آوری اجتماعی دارند؟»

از آن‌جا که اهداف پژوهش در تناظر با سوالات اصلی و فرعی پژوهش بوده و ارتباط وثیقی

میان این دو مقوله برقرار می‌باشد؛ اهداف تحقیق به شرح پیش‌رو ارائه می‌گردد. هدف اصلی پژوهش: «واکاوی نقش تغییرات کیفی تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری و بروز ناآرامی‌های اجتماعی». اهداف فرعی پژوهش: «وارسی مولفه‌های تشکیل‌دهنده تاب‌آوری اجتماعی» و «تدقیق در نقش تغییرات کیفی مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری، بروز و توسعه ناآرامی‌های اجتماعی».

روش پژوهش:

گردآوری داده‌های پژوهش حاضر به روش اسنادی صورت پذیرفته است. روش اسنادی به روشی اطلاق می‌گردد که طی آن پژوهشگر با بهره‌گیری از اسناد موجود پیرامون موضوع پژوهش و تحلیل اطلاعات مرتبط با پدیده‌ها و مقولات پژوهش، به مطالعه مفاهیم مطرح شده در پژوهش می‌پردازد (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۹). پژوهش‌گر داده‌های خام جمع‌آوری شده از طریق روش اسنادی که به صورت یادداشت‌های میدانی، یادداشت‌های شخصی، متون چاپی، اسناد، سخنرانی و... موجود می‌باشد را پردازش و تحلیل می‌نماید (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۳۲۷). از دیگرسو برای واکاوی ارتباط طرفین موضوع در پژوهش حاضر، و دستیابی به نقش‌کاهش تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری و بروز ناآرامی‌های اجتماعی پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران و تحلیل داده‌های برگرفته از جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی، از روش مطالعه‌ی موردی بهره گرفته شده است. هدف روش مطالعه‌ی موردی تکوین دامنه‌ی ارتباط میان داده‌های انتزاعی اسنادی و مبانی نظری علمی با بنیان‌های انضمامی مورد مطلوب می‌باشد. در واقع مطالعه‌ی موردی به درک پدیده‌های منظور، در عرصه‌ی متعارف مطلوب اعانه رسانده و از تبدیلات مصنوعی جلوگیری می‌نماید (مقیم، ۱۳۸۶: ۷۱).

کاربست روش مطالعه‌ی موردی در امتزاج با تحلیل روندی، دستیابی به زوایای مولفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی به کار رفته در موضوع تحقیق را ممکن ساخته و وضعیت متغیرهای موجود در طرفین تحقیق را روشن می‌سازد. در واقع کاربست روش مختار بر کشف و تفسیر ارتباط میان طرفین تحقیق تکیه نموده و امکان واکاوی کیفیت پیوند متغیرهای موضوع تحقیق را فراهم ساخته است. در واقع با بهره‌مندی از روش مطالعه‌ی موردی و بهره‌برداری از تحلیل روندی، ضمن تبیین مفهومی و نظری طرفین موضوع تحقیق، ارتباط میان آن‌ها نیز کشف گشته و نقش کاهش

تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری و بروز ناآرامی‌های اجتماعی پاییز ۱۴۰۱ در جمهوری اسلامی ایران تبیین می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌های حوزه تاب‌آوری اجتماعی موضوع مورد بحث در این پژوهش را در بر نمی‌گیرد لکن بهره‌گیری از آن‌ها در استخراج مبانی پژوهش یاری رسانده و راهنمای مفاهیم مورد استفاده خواهد بود. از این روی با احصا منابع موجود و با دسته‌بندی موضوعی پژوهش‌های حوزه تاب‌آوری اجتماعی، پیشینه‌ی پژوهش بدین صورت تدوین و تبیین می‌گردد.

۱-۱. مطالعات اجتماعی تاب‌آوری اجتماعی

حسینی المدنی (۱۳۹۵) در کتاب **تاب‌آوری (فردی، خانوادگی و اجتماعی)** نظریه تاب‌آوری را از لحاظ تاریخی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می‌کند. این نویسنده با بررسی نظریه‌های تاب‌آوری ضمن اشاره به نظریه‌هایی هم‌چون سازگاری، شایستگی جامعه، تناسب شخص-محیط، چشم‌انداز قدرت، موقعیت مناسب و... به اصول ساخت تاب‌آوری اجتماعی نیز اشاره می‌نماید.

کریستین مک‌لین و دیگران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان **Six attributes of social resilience** با بررسی شش ویژگی اصلی تاب‌آوری اجتماعی از دانش، مهارت و یادگیری، شبکه‌های ارتباطات اجتماعی، رابطه‌ی مردم-محیط، زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصاد متنوع و نوآورانه و حکمرانی خوب و متعهد به عنوان شش ویژگی تاب‌آوری اجتماعی که در برساخت آن نقش‌آفرین بوده و بر تغییر کیفی شاخص آن اثرگذارند، یاد می‌کنند.

دانشوری نسب و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله‌ی رابطه حمایت اجتماعی با تاب‌آوری اجتماعی زنان آسیب دیده از سیل (مورد مطالعه: شهرستان دلگان) رابطه‌ای مستقیم میان حمایت خانواده و تاب‌آوری اجتماعی برقرار ساخته و به رابطه مثبت و تاثیرگذار حمایت اجتماعی با تاب‌آوری اذعان نموده است.

ساعدی و دیگران (۱۴۰۰) در ارائه الگوی عوامل مؤثر بر ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی در شرایط تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و با بررسی شرایط اجتماع تحت تحریم سیاسی اقتصادی ارتقا تاب‌آوری اجتماعی در شرایط تحریم‌های سیاسی اقتصادی را لازمه تاب‌آوری جامعه در

شرایط بحرانی دانسته است.

مارک کک و پاتریک ساداپولارک (۲۰۱۳) در مقاله‌ی WHAT IS SOCIAL RESILIENCE? LESSONS LEARNED AND WAYS FORWARD به نقش بازیگران اجتماعی و نهادی در ایجاد، تقویت و تضعیف تاب‌آوری اجتماعی در جوامع گوناگون اشاره می‌نمایند.

۲-۱. مطالعات زیستی تاب‌آوری اجتماعی

سنجش کیفیت تاب‌آوری اجتماعی در تقارن وابستگی با شاخص‌های زیستی، سبب تکوین مطالعات زیستی در حوزه‌ی مذکور گشته است. مارکوس کی. برونمایر (۲۰۲۲) در کتاب جامعه تاب‌آور و فلهیانی (۱۳۹۹) در بررسی سناریوهای محتمل تاب‌آوری اجتماعی شهرهای کوچک در مقابله با بیماری‌های واگیردار شبیه کووید ۱۹ به تحقیق پیرامون ارتباط تاب‌آوری اجتماعی از جمله آثاری هستند که به تحقیق پیرامون ارتباط تاب‌آوری اجتماعی و مولفه‌های زیستی پرداخته‌اند.

۳-۱. مطالعات حوزه‌ی مدیریت شهری تاب‌آوری اجتماعی

مطالعات حوزه‌ی مدیریت شهری تاب‌آوری اجتماعی فربه‌ترین درجه‌ی مطالعاتی در گستره‌ی موضوعی تاب‌آوری اجتماعی را تشکیل می‌دهند. رحیمی و دیگران (۱۳۹۷) در بررسی تأثیر مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی بر امنیت در سکونتگاه‌های غیررسمی (مورد مطالعه: محله خط ۴ حصارکرج) به رابطه آسیب‌های اجتماعی ناشی از سکونت‌گاه‌های غیررسمی و مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی پرداخته‌اند، حسینی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل تاب‌آوری اجتماعی بر اساس شاخص‌های سرمایه اجتماعی در شهر تهران متغیرهای مربوط به سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی را بررسی نموده و میزان روابط اجتماعی، اعتماد عمومی و نهادی، حس تعلق مکان، آگاهی، باورها و ادراکات را در رابطه با تاب‌آوری اجتماعی معرفی نموده‌اند، و کاظمی و عندلیب (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر تاب‌آوری اجتماعی سکونت‌گاه‌های روستایی در شرایط بحرانی به این نکته اشاره نموده‌اند که میزان تاب‌آوری اجتماعی روستاهایی با وابستگی به مولفه‌های اجتماعی گوناگون، متنوع بوده و رابطه‌ی معناداری میان سطوح تاب‌آوری و شرایط بحرانی برقرار می‌باشد.

نوآوری پژوهش حاضر در بکارت مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و توانایی آن در خلق رهیافتی جدید در حوزه مطالعات سیاسی برای تحقیق بر ناآرامی‌های اجتماعی و گشایش درجه‌ای نو بر

پژوهشگران این عرصه نهفته است. تاب‌آوری اجتماعی به عنوان مفهومی نوظهور توانایی توضیح‌دهندگی شرایط اکنون جامعه‌ی ایران به عنوان جامعه‌ای ملتهب و ناآرام را داراست. به هر روی تاب‌آوری و تاب‌آوری اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که پژوهش‌گران سیاسی دست به قلمرو آن نبرده و از آن استفاده ننموده‌اند. بررسی پیشینه‌ی تحقیق و عدم بحث پیرامون ارتباط دو مولفه‌ی تاب‌آوری اجتماعی و ناآرامی‌های اجتماعی که بدان اشاره گشته بود نیز بر این دعوی صحه گذارده و جنبه‌ی نوآورانه بودن پژوهش حاضر را تأیید می‌نماید.

۲- کالبدشکافی مفهومی

۱-۲. مفاهیم

۱-۱-۲. تاب‌آوری

تاب‌آوری (Resilience) از ریشه‌ی «Resilire» و مشتق از ساختاری لاتین به معنای عقب رفتن و یا پس زدن بوده است. در تعریف تاب‌آوری را ظرفیت سازگاری با تهدیدات، کاهش آسیب‌ها و اجتناب از آسیب گفته‌اند (Pelling, 2003: 5). افزون بر این تاب‌آوری فرایند مقابله با بحران و استحکام ساختار در حالت پسابحران نیز خوانده شده است. در واقع ساختاری تاب‌آور است که علیرغم تهدید و استرس‌های تحمیلی، با تمایلات خوداصلاحی، سازوکار رشد خویش را حفظ نموده، به عقب بازنگشته و در فرایندی ارتجاعی عملکردهای ذاتی‌اش مختل نگردد (حسینی المدنی، ۱۳۹۵: ۱۸).

۲-۱-۲. تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی به مفهوم عملکرد جوامع در مقابله با شدائد و بحران‌ها، بازگشت به حالت پیشابحران و بهبود تطبیقی موقعیت پسامواجهه، اطلاق می‌گردد (Chandler, 2019: 2). در واقع تاب‌آوری توانایی جوامع و افراد اجتماع است در بازگشت و بهبودی از ناملایمات و شرایطی که به آن‌ها تحمیل می‌گردد (Kaye-Kaudere et al., 2021: 119). به بیانی دیگر، تاب‌آوری اجتماعی که مفهومی اجتماعی به حساب می‌آید، بیانگر فرآیند جمعی مقابله با بحران می‌باشد (Koos et al., 2017: 368). افزون بر این تاب‌آوری اجتماعی به مثابه ظرفیت سازگاری با تهدیدات و کاهش ریسک‌های احتمالی و یا اجتناب از آسیب‌ها نیز تعریف گردیده است (Pelling, 2003: 5).

تاب‌آوری اجتماعی به معنای توانایی و ظرفیت جوامع، نهادها، سازمان‌ها، و گروه‌های اجتماعی بر تحمل، جذب، مقابله و سازگاری با تهدیدات محیطی و اجتماعی متنوع به کار بسته می‌شود. (9: keck & sakdapolark, 2013). اگرچه تاب‌آوری اجتماعی به توان مقاومت جامعه در برابر شوک‌ها و استرس‌های تحمیلی تعبیر می‌گردد لکن امکان جذب شوک‌ها در موقعیت‌های بحرانی و نمایش واکنش مثبت از سوی جوامعی که منابع در دسترس و غیرشکننده دارند، فراهم است (358: Adger et al., 2002). آدگر (۲۰۰۰) به عنوان اولین شارح معنایی تاب‌آوری اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی را توان جوامع بر مقاومت مقابل شوک‌های خارجی که بر زیرساخت‌های اجتماعی اثرگذارند، دانست. این تعریف به خلاف سایر تعاریف مطروحه از تاب‌آوری اجتماعی، در عوض توانایی تداوم کارکردها ذیل بحران و تغییرات، از توانایی بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود اجتماعی برای محافظت از ساختارهای خویش در برابر بحران و تغییرات بهره‌گرفت (9: keck & sakdapolark, 2013).

۳-۱-۲. ناآرامی اجتماعی

ناآرامی در فرهنگ دهخدا به عدم ثبات، ناشکیبایی و تزلزل تعریف شده و از آن به عنوان ناامنی، آشوب و نبود امنیت یاد شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۰۲۸). تزئین ناآرامی‌های به وقوع پیوسته به امر اجتماعی که همان گستره‌ی ارتباط جامعه‌ی انسانی در عرصه‌ی اجتماعی است، ناآرامی اجتماعی را پدید آورده و به اختلاط دو امر می‌انجامد. در واقع ناآرامی اجتماعی به مثابه خطرات، تهدیدات و شدائدی که امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی جامعه را با نقصان مواجه کرده و غالباً در قالب شورش‌ها، اعتصابات و کنش‌های فعال اجتماعی در جهت دستیابی به خواسته‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمودار می‌شود، تعریف گشته است.

۲-۲. چارچوب نظری

کاوش در پژوهش‌های حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی نمودار عدم بلوغ تحقیقات این حوزه‌ی علمی در تکوین نظریه‌های مرتبط با آن می‌باشد. از این رو در خلال پژوهش‌های پیشین، فقر چارچوب نظری، جلوه نموده و پژوهش‌های مطروحه را با نقصان مواجه ساخته است. لکن با واکاوی تعاریف و مفاهیم ارائه شده از سوی پژوهشگران حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی، با التفات به معانی مستعمل حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی و با تدقیق در سیر نگارش پژوهش‌های حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی، پژوهش حاضر به سوی چهار گروه از نظریات این حوزه رهنمون گشته و به

چارچوب نظری تحقیق شکل بخشیده است. اولین گروه از نظریات تاب‌آوری اجتماعی بر سازگاری با شرایط بحرانی تاکید داشته و انطباق با شدائد را کارویژه تاب‌آوری به حساب آورده‌اند. گروه دوم از نظریه‌های تاب‌آوری اجتماعی بر جذب بحران‌ها اشاره داشته و امکان تقویت جوامع در مکانیسم تاب‌آوری را یادآور ساخته‌اند. سومین گروه مقصود خویش را بر مقاومت و پاسخ به مضایق بنا کرده و رویکردهای واکنشی به وقایع را برگزیده‌اند. نظریات تاب‌آوری اجتماعی مرتبط با آخرین گروه نیز کانون نظرات خویش را بر خودسازماندهی و امکان بازگشت به حالت سازمان یافته‌ی پیش از وقوع بحران متمرکز نموده‌اند.

(۱) سازگاری و انطباق: تاب‌آوری اجتماعی به توانایی جامعه برای سازگاری با موقعیت‌های نامطلوب ناشی از رویدادهای مخرب اطلاق می‌گردد. در حقیقت سازگاری موفق جوامع با موقعیت‌های جدید و توانایی یادگیری از رویدادهای استرس‌زا و مخرب، نمودار تاب‌آوری اجتماعی بیشینه‌ی جوامع می‌باشد. از این روی ظرفیت انطباق و یادگیری افراد، گروه‌ها و نهادها در گستره‌ی زمانی وقایع بحرانی نمایان‌گر نقش تاب‌آوری اجتماعی بوده و کیفیت آن را می‌سنجد (Alizadeh & Sharifi, 2022: 2).

نظریات سازگاری‌محور تاب‌آوری اجتماعی بر نقاط قوت الگوهای سازگاری مثبت در راستای افزایش تاب‌آوری اجتماعی جوامع اشاره دارند. گرچه تاب‌آوری جوامع متحمل فشارها و بحران‌های گوناگون و غیریکنواختی خواهند شد، لکن امکان تقویت تاب‌آوری اجتماعی به مثابه سازگاری، از طریق یادگیری و آموزش فراهم بوده و افراد اجتماع با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازگاری‌محور تاب‌آوری اجتماعی به انطباق خویش با بحران می‌پردازند (Cacciopo et al., 2011: 46).

(۲) جذب و رشد: تاب‌آوری اجتماعی فرایند جذب ناملایمات و شدائدی است که تغییرات، بحران‌ها و اختلالات استرس‌زا بر جامعه تحمیل نموده و عملکرد آن را مختل می‌نمایند. جوامع با جذب تغییرات تحمیلی عوامل بیرونی، از یک سو تاب‌آوری اجتماعی را افزایش داده و از سویی دیگر تاب‌آوری اجتماعی را به نمایش می‌گذارند (گل‌وردی، ۱۳۹۶: ۲۹۶).

میزان جذب فرد، گروه یا جامعه، آستانه‌ای است که پیش از تغییر فرایندها و متغیرهای کنترل‌کننده، از سوی آن‌ها به نمایش گذاشته شده و تاب‌آوری اجتماعی وابسته را نمایان می‌سازد. از این روی افزونی و بزرگی اختلالی که جامعه توانای جذب آن است، بر کیفیت تاب‌آوری اجتماعی آن اثر داشته و از کیفیت تاب‌آوری اجتماعی آن اثر می‌پذیرد (Langridge et al., 2006: 3).

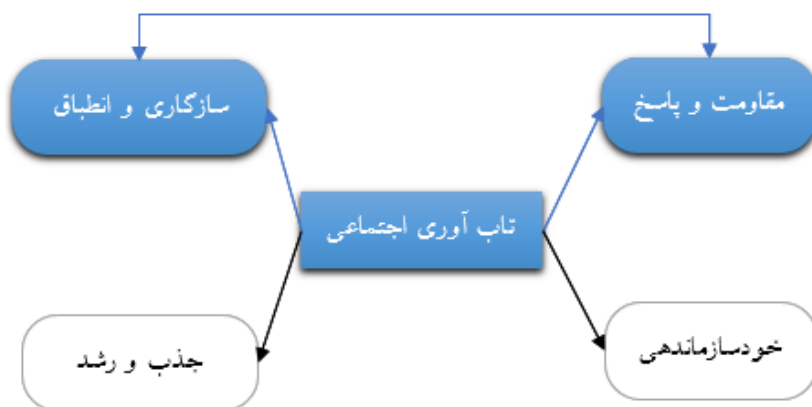
۳) مقاومت و پاسخ: تاب‌آوری اجتماعی ظرفیت مقاومت جامعه در برابر شوک‌ها و اختلالاتی است که بر آن تحمیل شده و عملکردهای آن را با پیرشانی مواجه می‌سازد. در واقع تاب‌آوری اجتماعی به‌سان مقاومتی است که در برابر بحران انجام پذیرفته و به آن پاسخ می‌دهد (کاظمی و عندلیب، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

مقاومت ظرفیت نمایشگر جامعه در ایستادگی و پایداری در برابر بحران بوده و کنشی فعال به حساب می‌آید. از دیگر سو تاب‌آوری اجتماعی، مقاومت را با پاسخ به بحران همراستا ساخته و عملکرد جامعه را به سطح دیگری منتقل می‌نماید (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۳). بطور کلی در این رویکرد، تاب‌آوری اجتماعی به عنوان توانایی جامعه در مقاومت در برابر تغییرات و پاسخ به اختلالات مخلوق تغییرات و بحران‌های تحمیلی می‌باشد (Garcia et al., 2013: 1).

۴) خودسازماندهی: خودسازماندهی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که جوامع در جهت بازگردانی و از سرگیری عملکرد خویش به سطح پیش‌رویداد و یا فراتر از آن انجام داده و از بروز اختلالات عمیق مخلوق بحران جلوگیری می‌نمایند. این فعالیت‌ها گستره‌ی متنوعی را در برگرفته و شامل مواردی هم‌چون واکنش اضطراری، بهبودی، تقویت همکاری، کنترل سرنوشت و عاقبت واقعه، پیش‌بینی و ایجاد احساس امنیت می‌گردد (Sapirstein, 2006: 4). محیط‌ها و جوامع تاب‌آور از ظرفیت و پتانسیل خودسازماندهی برخوردار بوده و امکان بازگشت به شرایط پیش‌بحران و از سرگیری عملکردهای مطلوب و بهینه‌ی خویش، مطابق با وضعیت خارج از بحران را دارا می‌باشند (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳).

چارچوب نظری پژوهش حاضر مشتمل بر ترکیب نظریه‌های تاب‌آوری اجتماعی به مثابه سازگاری و انطباق، و تاب‌آوری اجتماعی به مثابه مقاومت و پاسخ در سیر نظری مطروحه بوده که با تسلط بر متن تحقیق در روند پردازش آن جاری گشته است. در واقع بهره‌مندی از نظریه‌های سازگاری و انطباق، و مقاومت و پاسخ نظریه‌ی مختار پژوهش حاضر را تشکیل داده و مبنای تعریف تاب‌آوری اجتماعی و مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در ارتباط با سایر مقوله‌های اجتماعی را فراهم آورده است. بر این مبنا از یک سو عدم سازگاری و انطباق با بحران‌ها و شدائد، تاب‌آوری اجتماعی جامعه‌ی هدف در گستره‌ی جغرافیایی مورد بحث را کاهش داده و از دیگر سو ناتوانی در مقاومت و پاسخ در رویارویی با مضایق و سختی‌ها کیفیت تاب‌آوری اجتماعی را دستخوش تغییر نموده است. از این روی با بهره‌مندی از نظریه‌ی تاب‌آوری اجتماعی به مثابه سازگاری و

انطباق و نظریه‌ی تاب‌آوری اجتماعی به مثابه مقاومت و پاسخ؛ و بررسی عدم امکان بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها، بحث پیرامون نقش کاهش تاب‌آوری اجتماعی در ناآرامی‌های اجتماعی پرداخته شده است. بنابراین نظریه‌ی مختار پژوهش حاضر ترکیبی از نظریه‌های مقاومت و پاسخ، و سازگاری و انطباق بوده که در فرآیند بررسی مقوله‌های مذکور مورد استفاده قرار گرفته است.



شکل شماره (۱): چارچوب نظری تاب‌آوری اجتماعی

(طراحی‌شده توسط نگارندگان)

۳. مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی

توجه به مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی یاری‌بخش سنجش تغییرات کیفی تاب‌آوری اجتماعی در جوامع هدف است. از این روی با واکاوی تحقیقات حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی و دستیابی به مولفه‌های آن، امکان آزمودن سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی فراهم گردیده و نقطه‌ی گذار از تاب‌آوری اجتماعی به سوی سایر کنش‌های اجتماعی روشن می‌گردد.

آدگر و دیگران (۲۰۰۲) در پژوهش خویش به این امر دست یافته‌اند که سرمایه اجتماعی، منابع عمومی، گزینه‌های معیشتی قابل دوام، توزیع برابر یا نابرابر فرصت‌ها و امکانات، نوسازی شهری و اجتماعی، مهاجرت به ویژه مهاجرت داخلی، سطح رفاه اقتصادی، ساختار جامعه، آسیب‌پذیری فرد و خانواده، سطح نابرابری اقتصادی، رفتار جامعه با محیط زیست و تغییرات جمعیتی مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی بوده که نقصان هر یک، بر سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی اثر گذاشته و گروه‌های اجتماعی برخورددار از مولفه‌های مواجه با نقصان را با چالش روبرور

می‌سازد (Adger et al., 2002: 365). افزون بر این تغییرات نهادی، حقوق مالکیت، جمعیت‌شناسی، ساختار اقتصادی، دسترسی به منابع، توزیع دارایی‌ها و ساختار توزیع امکانات نیز در این صورت‌بندی جای می‌گیرد (Adger, 1997: 14).

خوش‌بینی، رضایت از زندگی، رفاه، تعادل عاطفی، موفقیت و کامیابی اجتماعی، اثرگذاری رسانه‌های اجتماعی، اعتماد عمومی و سیاسی، مرقت‌های بهداشتی و ارتباطات سیاسی مولفه‌هایی از تاب‌آوری اجتماعی هستند که توسط فرناندز و دیگران (۲۰۲۰) احصا شده‌اند. آن‌ها بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی تاکید شایان توجهی داشته و به تبیین این امر پرداخته‌اند که سطوح بالاتر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی منجر به سطوح بالاتری از شادکامی و تاب‌آوری اجتماعی خواهد شد. افزون بر این پاسخ موفقیت‌آمیز جامعه به بحران‌های آبی بر اعتماد سیاسی به رهبری سیاسی و سیاست‌های اتخاذی او گره خورده است (Fernandez et al., 2020: 8).

شاخص‌های قابل اعتماد تاب‌آوری اجتماعی شامل سطح تحصیلات، رهبری، اعتماد، انتشار اطلاعات، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تبادل اطلاعات، آموزش، یادگیری، حمایت اجتماعی، احساس اجتماع، اثر اجتماع، هماهنگی، اطلاعات جمعیت‌شناختی، فرهنگ مقاومت، گروه‌ها و شبکه‌های جامعه، نقش‌پذیری و کنش اجتماعی بوده که رفتار و ویژگی‌های جامعه و کیفیت تاب‌آوری اجتماعی صادر از آن را نمایان می‌سازد (Khalili et al., 2015: 252).

اعتماد، رهبری، اثربخشی جمعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هنجارهای مشترک، نگرش‌های موجود، ارزش‌های حاکم، ارتباطات و اطلاعات، منابع، دسترسی به منابع و وابستگی به منابع دیگر، خلاقیت و مقاومت شاخص‌های معتبر تاب‌آوری بوده که با شناسایی و بررسی آن‌ها امکان سنجش تغییرات کیفی تاب‌آوری اجتماعی در جغرافیای محل بحث و چگونگی بازگشت به نقطه‌ی تعادل اولیه روشن می‌گردد (Maguire & Hagan, 2007: 19).

از دیگر سو برخی ویژگی‌های خاص به عنوان منابع تسهیل‌بخش تاب‌آوری اجتماعی عمل می‌کنند. توانایی فرد برای نگرستن به دیگران از طریق همان اسلوبی که به خویش می‌نگرد، پاسخ حمایتی به دیگران، درک ادراک دیگران از تجربیات و موقعیت‌های زندگی، وجود اهداف و دیدگاه‌های مشترک، افزایش آگاهی مشترک و توجه به نیازهای دیگران افزون بر تقویت پیوندها و روابط میان فردی بر تقویت جامعه نیز یاری نموده و اثری مثبت بر تاب‌آوری اجتماعی می‌گذارد (Cacciopo et al., 2011: 46).

تاب‌آوری اجتماعی شامل ایمنی، ارتباط مدنی، تعامل پویا و پاسخگویی نیز می‌باشد. این امر در مواجهه با جوانانی که در حاشیه‌های فرهنگی قرار گرفته و آن سوی شکاف‌های پدیدار شده فعال بوده و دنیایی با زندگی متفاوت پدید آورده‌اند، اهمیت دوچندانی می‌یابد. ساخت تاب‌آوری اجتماعی در این قبیل جوامع مستلزم حمایت و عرضه منابع در جهت پیگیری علاقه‌مندی‌های گروه‌های مذکور بوده و نیاز به حمایت اجتماعی را متجلی می‌سازد (Bolzan & Fran, 2011: 11).

۴. شاخص‌های ناآرامی اجتماعی

ناآرامی اجتماعی به مثابه خطرات، تهدیدات و شدائدی که امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی جامعه را با نقصان مواجه کرده و غالباً در قالب شورش‌ها، اعتصابات و کنش‌های فعال اجتماعی در جهت دستیابی به خواسته‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمودار می‌شود، تعریف گشته است (ربیعی، ۱۴۰۱: ۱۷۶).

پدیده‌ی ناآرامی اجتماعی متکون از روندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده و جوامع درگیر در پدیده را از موقعیت مستمر باثبات خویش خارج می‌سازد. ناآرامی‌های اجتماعی مخلوق افزایش نارضایتی‌های اجتماعی بوده و عدم پاسخگویی مناسب و نیکو به آن منتج به تشدید چالش‌های موجود و خلق چالش‌های نوین می‌گردد (دستمالچی، ۱۳۸۹: ۹۸).

شاخص‌های ناآرامی اجتماعی از حیث موضوع متنوع بوده و طیف وسیعی از مفاهیم را در بر می‌گیرد. شاخص‌های مذکور که نشانگر چرایی وقوع وقایع هستند در حوزه‌های گوناگونی به چشم می‌خورند به نحوی که در حوزه‌ی سیاست داخلی، مشروعیت سیاسی، ساختار نظام سیاسی، تنش‌زدایی، توسعه‌ی آزادی‌های مشروع، قدرت نرم؛ در حوزه‌های اجتماعی، تعادل طبقاتی، وحدت ملی، همبستگی اجتماعی، جمعیت‌شناسی، وضعیت مهاجرت؛ در حوزه‌های علمی - فرهنگی، میزان سواد و آگاهی، گفتمان مسلط، نظام آموزشی، اخلاق، ارزش‌های و باورهای مذهبی، ارزش‌ها و باورهای ملی، ارزش‌های محلی محلی؛ در حوزه‌ی اقتصاد، درآمد سرانه، نرخ تورم، رونق اقتصادی، امنیت اقتصادی، نرخ بیکاری؛ در حوزه‌ی ساختار حقوقی - قضایی، میزان قانون‌گرایی، استقلال دستگاه قضایی، سلامت دستگاه قضایی، بروکراسی دستگاه قضایی، مشروعیت و کارآمدی دستگاه قضایی، اقتدار دستگاه قضایی؛ در حوزه‌های نهادی، سلامت اداری، شفافیت سازمانی، پاسخگویی مسئولین، بروکراسی اداری، وجود سازمان‌های مردم‌نهاد، کارآیی، رویکرد سیستمی؛ در حوزه‌ی امنیت، قوای امنیتی، تجهیزات امنیتی، آموزش، احساس امنیت، پوشش امنیتی؛ و در حوزه‌ی رسانه،

پوشش رسانه‌ای، ابزار رسانه و محتوای رسانه؛ از شاخص‌های ناآرامی اجتماعی به حساب آمده و بر آن اثرگذار و از آن اثرپذیر هستند (آیاتی‌فرد و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۸۹).

فقر، بیکاری، تورم، آزادی یا عدم آزادی احزاب، بسته بودن یا باز بودن جامعه، موقعیت جغرافیایی کشور، تبعیض‌های قومی، اختلافات مذهبی، شکاف‌های سیاسی - اجتماعی، موقعیت‌های تنش‌زای داخلی، بسترهای بحران‌خیز بین‌المللی و منطقه‌ای، نارضایتی و احساس ناامنی، مولفه‌های فردی هم‌چون سرخوردگی، شکست، ناکامی و... از جمله شاخص‌های ناآرامی‌های اجتماعی بوده که از سوی دیگر نویسندگان و محققان این حوزه شرح گشته است (تقوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۰).

۵. تاب‌آوری اجتماعی و ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱

با سنجش مولفه‌های مدنظر از مقوله‌ی تاب‌آوری اجتماعی هم‌چون سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد عمومی، و فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی تحمیلی، و با التفات به نقش مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری، بروز و توسعه‌ی ناآرامی‌های اجتماعی؛ امکان استناد به سیر تکوین رابطه‌ی طرفین موضوع مذکور فراهم گشته و تدقیق در رابطه‌ی مطروحه امکان‌پذیر می‌گردد.

اولین مولفه‌ی رابط میان تاب‌آوری اجتماعی و ناآرامی اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. سرمایه اجتماعی به هنجارها و شبکه‌هایی که با روش‌هایی مانند سطح عضویت در انجمن‌های رسمی و غیررسمی بررسی شده و امکان مشارکت در کنش‌های جمعی را فراهم می‌نماید اطلاق می‌گردد. در حقیقت سرمایه‌ی اجتماعی کیفیت و قدر هنجارها و شبکه‌های مذکور در جوامع را روشن نموده و از عناصر بنیادین و اصلی جامعه برای ایراد کنش‌های اجتماعی می‌باشد (تاجبخش و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

عوامل گوناگونی بر شکل‌گیری، رشد یا نقصان سرمایه‌ی اجتماعی اثرگذار می‌باشند. از یک سو عوامل اقتصادی از طریق عملکرد اقتصادی بر سرمایه‌ی اجتماعی اثر گذارده و سطح کیفی آن را با تغییر مواجه می‌سازند. عوامل اقتصادی از مسیر تاثیر بر سطح معیشت و درآمد سرانه، سطح آموزش‌های عمومی و سلامت جسمی و ذهنی، میزان تقید افراد جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای گفتمان مسلط را با مخاطره مواجه ساخته و بر سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی هدف تاثیر می‌گذارد. مضافاً عملکرد اقتصادی توزیع ثروت و دارایی را در اختیار گرفته و با تغییر شاخص

همبستگی اجتماعی و پابندی به میثاق‌های اجتماعی، سطح کیفی سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه را تغییر می‌دهد. از دیگر سو عوامل سیاسی هم‌چون، وجود سازمان‌های غیردولتی، امکان نقد حاکمیت، پاسخگویی، ثبات سیاسی، مسئولیت‌پذیری، بروکراسی کارآمد، قوانین حامی حقوق مالکیت، امکان برقراری کسب و کارهای خصوصی، عدم اعمال خشونت، اعتماد به حکومت و اعتماد میان‌فردی بین افراد اجتماع؛ بر میزان سرمایه‌ی اجتماعی اثرگذارده، موجودی آن را تحت تاثیر قرار داده و آن را با افزایش یا کاهش مواجه می‌سازد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ای حیاتی با کیفیت تاب‌آوری اجتماعی جامعه دارد. تمرکز ابتدایی سرمایه‌ی اجتماعی بر روابطی است که در ساختارها و شبکه‌های گروه‌های افراد اجتماع تشکیل شده و هنجارهای تعامل متقابل، اعتماد و همکاری را تسهیل می‌نماید. سرمایه‌ی اجتماعی بر سه گونه‌ی روابط نزدیک الفت‌گونه، روابط ارتباطی میان دو گروه و فرد و روابط پیوندی میان افراد منشعب شده و کیفیات گونه‌گونی از روابط اجتماعی را دربر می‌گیرد. در حقیقت سرمایه‌ی اجتماعی شامل پیوندهایی اجتماعی در درون گروه‌های اجتماعی بوده که با روابط خانوادگی، پیوندهای دلبستگی، توانایی شبکه‌سازی، پیوندهای بیرونی در بطن جامعه و تعاملات میان گروه‌های اجتماعی در ارتباط می‌باشد (Saja et al., 2018: 14).

کیفیت روابط اعضای جوامع بر مبنای سرمایه‌ی اجتماعی سنجیده می‌شود. در واقع سرمایه‌ی اجتماعی که نمایشگر کیفیت روابط در جامعه است، هنگام رویارویی و مواجهه با بحران‌ها و شدائد نمایان گشته و جامعه و افراد اجتماع را از خطرات می‌رهاند. در حقیقت سرمایه‌ی اجتماعی که برگرفته از اعتماد، هنجارها و گروه‌های اجتماعی جامعه علیرغم عکس‌العمل متنوع این گروه‌ها در قبال بحران‌های اجتماعی می‌باشد؛ توان حل مشکلات و رویارویی با مضایق را به جامعه اعطا می‌نماید. از این روی شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی هم‌چون اعتماد نهادی، مشارکت در گروه‌های اجتماعی و وابستگی به هنجارها و ارزش‌های جامعه بر تاب‌آوری اجتماعی اثرگذارده و از آن اثر می‌پذیرد (روستا و دیگران، ۱۳۹۷: ۳).

وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در گستره‌ی جغرافیایی ایران نامقبول پنداشته شده و میانگین نمره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پایین در نظر گرفته شده است. در واقع در نظر محققان حوزه‌ی علوم اجتماعی، پیمایش‌های مربوطه، نمایان‌گر سیر نزولی سرمایه‌ی اجتماعی در ایران بوده که این امر نمودار وجوب حفظ سرمایه‌ی اجتماعی به مثابه دارایی ملی می‌باشد (غلامی و عاملی، ۱۴۰۱). در

واقع سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مولفه و شاخص تاب‌آوری اجتماعی که از توان اثرگذاری کیفی بر آن برخوردار می‌باشد، در حوزه‌ی جغرافیایی ایران، با فرسایش کیفی مواجه شده و سیری نزولی یافته است. از این روی سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی نیز در محدوده و عرصه‌ی مطروحه با نقصان مواجه گشته که این امر به بروز نتایج و پدیده‌های اجتماعی منجر گشته است.

از دیگر سو کاوش در پیمایش‌ها و شاخص‌های بین‌المللی و داخلی، طریق تحقق مقصود تحقیق را فراهم آورده و امکان وصول به غایت مطلوب را تسهیل می‌نماید. یکی از شاخص‌های بین‌المللی مذکور شاخص کامیابی لگاتوم بوده که تصویر سنجش پیمایش رفاهی جوامع را در هیئت مولفه‌های اجتماعی-اقتصادی بنیان نهاده و توصیف موضوع مطروحه را به سوی امکان سوق می‌دهد. بر مبنای شاخص کامیابی لگاتوم، نمره‌ی ایران در حوزه‌ی مولفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی از ۵۱٫۴۳ در سال ۲۰۰۷ به ۴۸٫۹۶ در سال ۲۰۲۳ رسیده که خود نمودار زوال و فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی در حوزه‌ی جغرافیایی مذکور و عرصه‌ی زمانی مطروحه می‌باشد (ایسپا، ۱۴۰۲).



نمودار شماره (۱): نمره سرمایه اجتماعی در ایران بر مبنای شاخص لگاتوم

(منبع: ایسپا)

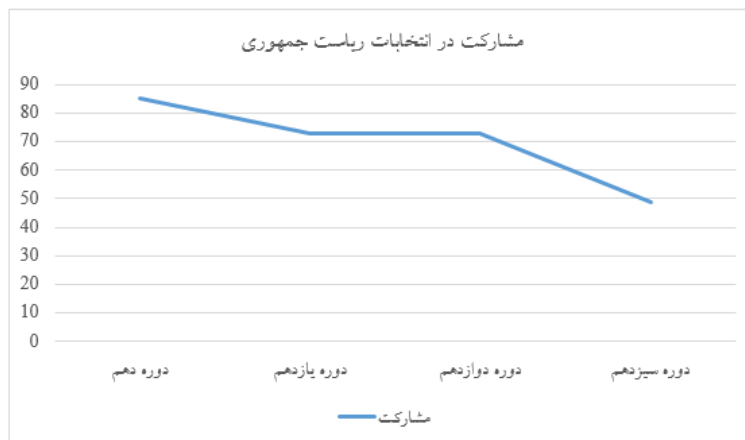
افزون بر این ارزیابی امواج طرح ملی سنجش سرمایه‌ی اجتماعی نیز افول نسبی شاخص سرمایه‌ی اجتماعی در بازه‌ی زمانی موج دوم تا موج سوم را نمایان می‌سازد. در واقع التفات به پژوهش مذکور نمودار تغییر کیفی مولفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در گستره‌ی جغرافیایی موضوع پژوهش از ۲٫۷۴ در موج دوم پژوهش به ۲٫۴۴ در موج سوم پژوهش می‌باشد (مرکز رصد فرهنگی کشور، ۱۴۰۱).

دیگر مولفه‌ی خطر در حوزه‌ی تلازم طرفین تحقیق، مشارکت سیاسی می‌باشد. مشارکت

سیاسی مجموعه کنش‌های افراد اجتماع در جهت اثرگذاری مسالمت آمیز یا چالش برانگیز بر حکومت مستقر بوده که با اعلام حمایت از او و یا مخالفت با او همراه می‌گردد. از این روی کنش‌هایی هم‌چون فعالیت‌های حزبی، شرکت در انتخابات، برپایی تظاهرات و اقدامات اعتراضی، به مثابه مشارکت سیاسی له یا علیه نظام سیاسی متسقر در نظر گرفته می‌شود (آل غفور، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

مشارکت سیاسی عدل کنش و فعالیت بوده و طیف گسترده‌ای از سطوح کنش‌های جمعی بر مبنای کیفیت و کمیت نقش‌آفرینی افراد اجتماع را در بر می‌گیرد (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۶۲). مشارکت در گروه‌های اجتماعی و فعالیت در راستای اهداف آن‌ها، احساس تعلق به جامعه را به کنش‌گران متبادر می‌نماید. مشارکت سیاسی که از هم‌کاری و هم‌یاری افراد اجتماع در گروه‌های مدنی - سیاسی در جهت حل مشکلات اجتماعی سرچشمه گرفته است، از عوامل موثر بر کیفیت تاب‌آوری اجتماعی جوامع به حساب می‌آید. مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات، تعداد رأی‌دهندگان، کمیت و کیفیت سازمان‌های مدنی و سیاسی؛ ارتباط معناداری با توان جوامع در خودتوانمندسازی، توسعه‌ی روابط میان‌فردی و امکان رویارویی با بلایا و بحران‌های تحمیلی داشته و توسعه‌ی آن به افزایش تاب‌آوری جامعه و تکوین جامعه‌ی تاب‌آور یاری می‌رساند (Saja et al., 2018: 17).

مشارکت انتخاباتی شهروندان، بارزترین شعبه‌ی مشارکت سیاسی در ایران می‌باشد. در واقع رفتار رأی‌دهی افراد اجتماع نمودار تمایل آن‌ها برای مشارکت سیاسی بوده و نشان‌گر اهتمام گروه‌های اجتماعی در جهت تسهیم فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی می‌باشد. تفحص انضمامی پیرامون مصادیق مولفه‌ی مذکور، بیان‌گر کاهش گسترده‌ی مشارکت سیاسی در انتخابات دوره‌ی سیزدهم ریاست جمهوری و دوره‌ی یازدهم مجلس شورای اسلامی می‌باشد. مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری از ۸۵ درصد در دوره دهم، ۷۲٫۷ درصد در دوره‌ی یازدهم و ۷۳٫۰۷ درصد در دوره‌ی دوازدهم، به کمینه‌ی کمی خویش در قیاس با کل مجموعه رسیده و عدد ۴۸٫۸ درصد در دوره‌ی سیزدهم را ثبت نموده است. انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز از این امر برکنار نبوده و درصد مشارکت شرکت‌کنندگان تهرانی انتخابات مجلس شورای اسلامی از ۴۸ درصد در دوره دهم به ۲۵٫۴ درصد در دوره‌ی یازدهم زائل گشته است (پرتال خبری وزارت کشور، ۱۴۰۰).



نمودار شماره (۲): میزان مشارکت در ادوار انتخابات ریاست جمهوری

(طراحی شده توسط نگارندگان)

فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی تحمیلی به کشورهای مورد تحریم را به‌مثابه دیگر مولفه‌ی حوزه‌ی تحقیق می‌توان پنداشت. تحریم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که در راستای الزام مجموعه‌ای از کشورها در جهت عدم اجرای اعمال منافعی حقوق تحریم‌گر، به وقوع پیوسته و عدم متابعت از آن جرایم و مجازات‌هایی را در پی خواهد داشت. در حقیقت تحریم، تلاش برخی کشورهای جهان به منظور وادار ساختن دیگر کشورها برای تطبیق برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف خویش با اهداف و برنامه‌های تحمیلی می‌باشد. کاربرد تحریم در شرایط نامتداول بوده و پس از انسداد راهکارهای حقوقی و سیاسی به آن رجوع می‌گردد (خادمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۹۲).

مدیریت مخاطرات تحریم‌های تحمیلی به هدف اصلی دولت‌های تحت تحریم بدل گریده است. در فرایند اعمال تحریم‌های اقتصادی - سیاسی، امکان دسته‌بندی تحریم‌ها به تحریم‌های کامروا و ناکام وجود نداشته و قاطبه‌ی تحریم‌های تحمیلی خالق آثار سوء اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر کشورهای هدف خواهند بود. مدیریت مخاطرات تحریم‌های تحمیلی با بهره‌مندی از عموم ظرفیت‌های اقتصادی - سیاسی امکان‌پذیر بوده و شناخت جامع سیاست‌گذاران نسبت به تحریم‌های تحمیلی، اهداف کشورهای تحریم‌گر، راه‌های مقابله با تحریم‌ها و روش‌های رویارویی با کشورهای متخاصم را می‌طلبد. افزون بر این تحریم‌های تحمیلی آثار و نتایجی یکسانی به همراه نداشته و منتج به برآیندهای گوناگونی می‌گردند. از این روی راه‌های مقابله با تحریم‌های تحمیلی نیز یکسان نبوده که این امر لزوم شناخت تحریم‌ها و تناسب تحریم و راه‌کار را گوشزد می‌نماید (مهدیلو و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۹).

یکی از تعاریف نظری تاب‌آوری به توان ایستادگی جامعه در برابر فشارهای بیرونی اشاره می‌نماید. در واقع تاب‌آوری اجتماعی نمودار مقاومت و ایستادگی جوامع در برابر شوک‌ها، استرس‌های بیرونی و اختلالاتی است که بر آن تحمیل می‌گردد (کاظمی و عندلیب، ۱۳۹۶: ۱۳۴). جوامع تاب‌آور توان رویارویی با فشارهای بیرونی را داشته و در مواجهه با تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحمیلی، عملکرد خویش را از دست نمی‌دهند (حسینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹). در واقع هدف بنیادین سیستم‌ها و جوامع تاب‌آور دستیابی به توان مقابله و رویارویی با فشارها و استرس‌هایی است که از بیرون بر آن‌ها تحمیل شده، ظرفیت‌های آن‌ها را دستخوش تغییر نموده، بر امکان مقابله و انطباق آن‌ها با بحران بیرونی اثر گذارده و آسیب‌پذیری و تاب‌آوری آن‌ها را دگرگون می‌نماید (اقبال و دیگران، ۱۴۰۰: ۲).

هدف تحریم‌های تحمیلی بر جوامع، خلق نارضایتی و سرخوردگی میان افراد اجتماع و گسترش شکاف‌های اجتماعی - فرهنگی در کشورهای تحت تحریم می‌باشد. در واقع دولت‌های تحریم‌گر، با اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی بر جوامع و کشورهای هدف، افزون بر ایراد فشارهای گسترده بر افراد تحت تابعیت کشورهای مورد تحریم، از اعتراضات مردمی مخلوق نارضایتی‌های ایجاد شده از طریق تحریم‌های تحمیلی نیز بهره می‌برند. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی تحت شدیدترین تحریم‌های اعمالی از سوی کشورهای بیگانه بوده و همواره از آسیب‌های تحریم‌های تحمیلی مملو گشته است. تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران با اثرگذاری بر معیشت افراد اجتماع، به مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت مستقر در این پهنه‌ی جغرافیایی دامن زده است (نادمی و حسنوند، ۱۳۹۸: ۱۵۶).

تحریم‌های تحمیلی با اعمال فشار بر افراد تحت تابعیت کشور مورد تحریم، موجب کژکارکردی پدیده‌های اجتماعی مرتبط با جوامع نیز می‌شوند. بر همین مبنا تحریم‌های تحمیلی به مثابه نمونه‌ای از فشارها و استرس‌های بیرونی و به عنوان مولفه‌ای از مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی، تاب‌آوری افراد و جوامع را با مخاطره مواجه ساخته و تاب‌آوری اجتماعی جامعه‌ی هدف را کاهش می‌دهند. احصای شمار کمی تحریم‌های تحمیلی، نمایانگر بار گشتن بیش از ۳۶۰۰ تحریم علیه ساختار جمهوری اسلامی، نهادها و افراد، از سوی دولت‌های تحریم‌گر می‌باشد. در واقع توسعه‌ی مصنوعی فشار تحریم‌های سیاسی - اقتصادی، در سیر سنوات جاری، از سوی کشورهای بیگانه، کیفیت تاب‌آوری فردی و اجتماعی در عرصه‌ی جغرافیایی ایران را تحت تاثیر قرار داده و افراد اجتماع را با چالش‌هایی مواجه ساخته است.

اعتماد عمومی نیز از جمله مولفه‌هایی است که امکان تشریح معلول مقصود را در خویش ذخیره داشته است. اعتماد، به اطمینان به دیگر اشخاص، سازمان‌ها و نهادها؛ پذیرش و اعطای اعتبار به سایرین؛ ایمان به صداقت دیگری و درستی و وفاداری تعبیر گشته است. به تعبیری دیگر اعتماد توقع نتایج مثبت از اقدامات سایرین است در شرایط برقراری تعامل و عدم اطمینان. اعتماد عمومی شعبه‌ای از شعب مفهوم نظری اعتماد بوده و از طریق برقراری پیوند میان افراد و حکومت بر مشروعیت حکومت مستقر اثر می‌گذارد. اعتماد سیاسی نیز از دیگر جنبه‌های اعتماد بوده و تعمیم نظری مفهوم اعتماد به عرصه‌ی پیوند مردم - حکومت می‌باشد. در واقع اعتماد سیاسی احساس افراد پیرامون رهبران سیاسی را بیان نموده و با حمایت از اجتماع سیاسی، حمایت از قانون اساسی، حمایت از بروکراسی و حمایت از نهادهای سیاسی عجین می‌گردد (اصغری و اسدی، ۱۳۹۲: ۵۶).

اعتماد عاملی ضروری برای دستیابی به موفقیت بوده و موجب افزایش ثبات و نظم می‌گردد. اعتماد عمومی منتج به همکاری و همراهی موثر افراد اجتماع در اجرای سیاست‌های حکومت مستقر شده و منجر به رضایت از سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌گردد. مضافاً اعتماد به رشد سیاسی و توسعه سیاسی نیز یاری رسانیده و مبادلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را تسریع می‌نماید. اعتماد عمومی متکون از سه بعد اطمینان به مثابه احساس مثبت مردم نسبت به عملکرد و سیاست‌های دولت، تصمیم‌سازان و کارگزاران؛ خطرپذیری به عنوان نمودار میزان خطرپذیری افراد در رویارویی با نهادهای دولتی و امکان انتقاد آزادانه از حکومت مستقر؛ و درستکاری به‌سان نمایشگر کیفیت ادراک افراد از صداقت و درستکاری حکومت و نهادهای سازمان‌های وابسته به آن، می‌باشد (جابر انصاری و دیگران، ۱۳۹۵: ۴).

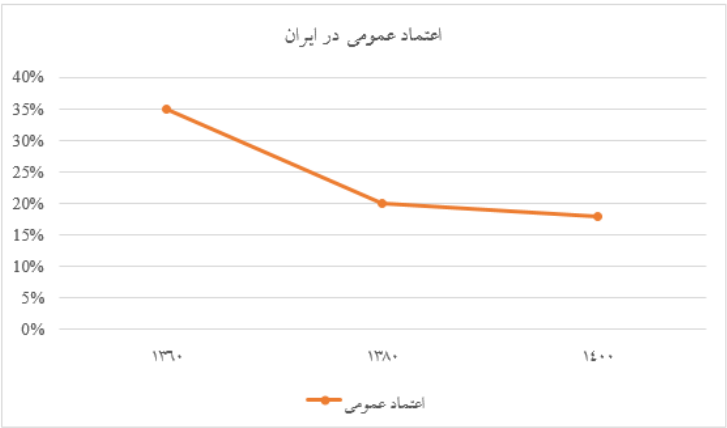
اعتماد عمومی میان اعضای یک جامعه موجب تسهیل هماهنگی و همکاری شده و واکنش موثر و بهینه در هنگامه‌ی مواجهه با مخاطرات و بلایا را در پی دارد. اعتماد اجتماعی، ارتباطی مستقیم با انسجام اجتماعی داشته و در کنار ارتباطات میان‌گروهی به مثابه مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی شناسایی شده است. از این روی هم‌کاری، هماهنگی و واکنش موثر مطروحه، افزایش شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی را رقم زده و با تغییر کیفیت تاب‌آوری اجتماعی جوامع بر توانایی مقابله و رویارویی با بحران‌ها اثر می‌گذارد (Saja et al., 2018: 17).

پاسخ موفق جامعه به بحران‌ها و شدائد با درجه‌ی اعتماد عمومی آن در ارتباط است. در حقیقت سطوح بالاتر اعتماد عمومی منجر به سطوح بالاتری از هم‌کاری و بهزیستی شده و جامعه را به سوی

توانمندی پیش از بحران سوق می‌دهد. اعتماد عمومی، اعتماد سیاسی و اعتماد به سیاست‌های اتخاذ شده سطح بالاتری از تاب‌آوری اجتماعی در رویارویی با مضایق را پدید آورده و به تقویت ظرفیت‌های تاب‌آوری اجتماعی جوامع کمک می‌نماید. (Fernandes-Pardos et al., 2020: 8).

اعتماد عمومی متأثر از کش‌های سیاسی طرفینی در رابطه‌ی حکومت و افراد اجتماع بوده و از نقصان موارد مذکور اثر می‌پذیرد. پژوهش‌های سیاسی - اجتماعی گوناگون نشانگر این امر است که رقابت سیاسی قدرت‌طلبانه و غیرمتعهد به انسجام ملی، شکاف‌های گسترده‌ی سیاسی - اجتماعی، عدم پویایی فرآیندهای سیاسی و دوقطبی غیرسالم اجتماعی - سیاسی در جامعه‌ی ایرانی، منجر به کاهش اعتماد عمومی به جریان‌های سیاسی و حکومت مستقر در این عرصه‌ی جغرافیایی شده است (سردارنیا و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۵).

برخی تحلیل‌گران حوزه‌های اجتماعی در سنجش مقولات اجتماعی جغرافیای مذکور، با التفات به سنجش درصد افراد با اعتماد زیاد، به بررسی میزان اعتماد عمومی در جامعه‌ی معاصر ایرانی پرداخته‌اند. واکاوی نتایج سنجش مطروحه، نمایانگر کاهش کیفی شاخص نشان‌گرهای مستعمل بوده و زوال و فرسایش مقوله‌ی کانونی حوزه‌ی پژوهش را نمایان می‌سازد. در واقع درصد افراد با اعتماد زیاد از بیش از ۳۰ درصد در دهه‌ی ۶۰ هجری شمسی به کمتر از ۲۰ درصد در دهه‌ی اخیر رسیده که این امر نمودار نقصان کیفی و کمی مولفه‌ی مذکور در عرصه‌ی جغرافیایی و زمانی مورد بحث می‌باشد (گودرزی و کاظمی‌پور، ۱۴۰۱).



نمودار شماره (۳): اعتماد عمومی در ایران

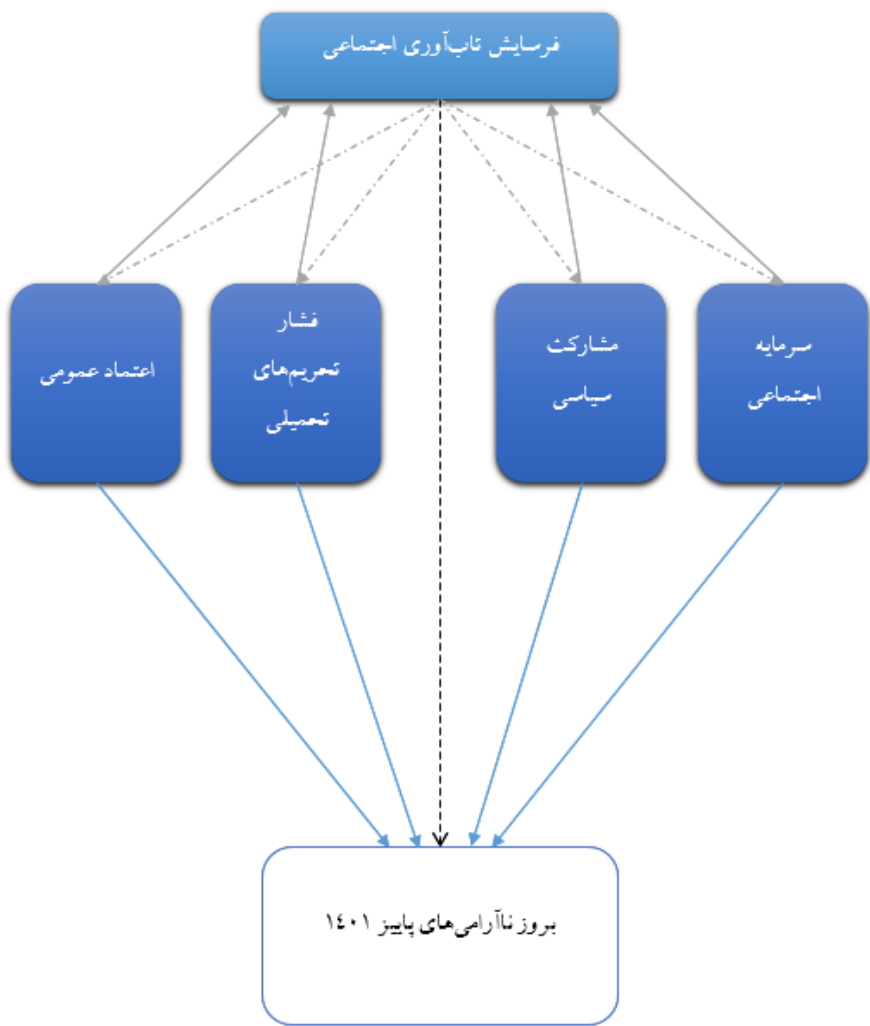
(منبع: گودرزی و کاظمی‌پور، ۱۴۰۱)

نتیجه‌گیری

هم‌چون دیگر نقاط جهان، پهنه‌ی جغرافیایی ایران فارغ از نوع حکومت مستقر، شاهد بروز ناآرامی‌های اجتماعی در برش‌های زمانی و مکانی گوناگون بوده است. ناآرامی‌های اجتماعی، به مانند دیگر اعصار، در دوران استقرار جمهوری اسلامی نیز فرایندهای اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و جامعه را با چالش‌هایی مواجه ساخته است. جریان‌های به وقوع پیوسته پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، حوادث دی ماه ۱۳۹۶ در واکنش به جهش قیمت بنزین، رخدادهای آبان ۹۸ و ناآرامی‌های تابستان و پاییز ۱۴۰۱ از جمله ناآرامی‌های اجتماعی گستره‌ی زمانی مذکور در پهنه‌ی جغرافیایی ایران می‌باشند.

تغییر سطح کمی و کیفی سطح و شاخص مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی هم‌چون سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد عمومی، و فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی تحمیلی، منجر به فزونی یا تقلیل سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی شده و این مفهوم اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. از دیگر سو مولفه‌های مذکور، بر روند کاهش تاب‌آوری اجتماعی بار گشته و به مساعدت و یاری تاب‌آوری اجتماعی در سهم‌بری از فرآیند خلق ناآرامی اجتماعی می‌پردازند. در واقع نقصان سرمایه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی، اعتماد عمومی، و فشار تحریم‌های سیاسی و اقتصادی تحمیلی، از یک‌سو سطح کیفی تاب‌آوری اجتماعی را با کاهش مواجه ساخته و زمینه‌ساز خلق پاره‌ای از علل بروز ناآرامی‌های اجتماعی می‌گردند. افزون بر این، مولفه‌های مذکور به همراهی روند کاهش تاب‌آوری اجتماعی پرداخته و به احداث برآیند منفی تجمیع کاهش تاب‌آوری اجتماعی و نقصان مولفه‌های مطروحه اعانه می‌دهند. از این روی انباشت تقلیل سطح کیفی کاهش تاب‌آوری اجتماعی و نقصان مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی نیز به آفرینش قسم دیگری از علل ناآرامی‌های اجتماعی منتج می‌گردد.

با تکیه بر استدلال فوق‌الذکر، فرسایش مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در گستره‌ی سرزمینی ایران؛ منجر به زوال تاب‌آوری اجتماعی در پهنه‌ی مذکور گشته و به خلق چالش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی اعانه می‌نماید. در واقع فرسایش مولفه‌های مطروحه، با زائل نمودن تاب‌آوری اجتماعی، طریق تولید ناآرامی‌های اجتماعی در پهنه‌ی جغرافیایی ایران و عرصه‌ی زمانی کنونی را فراهم نموده و به بروز ناآرامی‌های اجتماعی یاری رسانده است. در حقیقت طریق مذکور از فرسایش مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی، زوال تاب‌آوری اجتماعی و در نهایت خلق ناآرامی‌های اجتماعی؛ تشکیل گشته و استدلال غایی را تکمیل نموده است.



شکل شماره (۲) : نقش مولفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در شکل‌گیری و بروز ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱
(طراحی شده توسط نگارندگان)

منابع

- آل غفور، سیدمحمدتقی (۱۳۸۸). ساختار، عامل و مشارکت. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۵(۱۸)، ۱۹۲-۱۴۳.
- آیاتی فرد، عباس؛ نیری فلاح، سیامک؛ خلیلی، اکرم؛ عظیمی آملی، جلال (۱۴۰۱). متغیرها و معیارهای مؤثر بر پدافند غیرعامل درمواجهه با تهدید ناآرامی‌های اجتماعی در محدوده کشور ایران. جغرافیا و مطالعات شهری و منطقه‌ای، ۱۱(۴۴)، ۱۷۸-۱۹۱.
- اصغری، حرمت؛ اسدی، اسماعیل (۱۳۹۲). تاثیر پاسخگویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی (مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی ایران). خط مشی گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۴(۹-۱۰)، ۷۵-۵۳.
- اقبال، مرضیه؛ متولی، صدرالدین؛ جانباز قبادی، غلامرضا؛ غلامی، سارا (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ابعاد اجتماعی تاب‌آوری شهری بر توسعه پایدار گردشگری مطالعه موردی: شهر محمودآباد. نشریه گردشگری شهری، ۸(۳)، ۱-۱۶.
- ایسپا (۲۵ آذر ۱۴۰۲). شاخص جهانی کامیابی لگاتوم ۲۰۲۳. ispa.ir
- تاج بخش، کیان؛ تقی، مراد؛ کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و سیاستهای اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز). رفاه اجتماعی، ۳(۱۰)، ۱۵۵-۲۰۰.
- تقوی، سیدمهدی؛ خادمیان، طلیعه؛ متقی، ابراهیم؛ شیرزاد، هادی (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت سیاسی با تاکید بر موفقیت در ناآرامی و کنترل ناآرامی‌ها (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران). پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۳(۵۲)، ۱۰۹-۱۳۲.
- جابرانصاری، محمدرضا؛ نجف بیگی، رضا؛ الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۵). راهکارهای ارتقاء اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی. مطالعات قدرت نرم، ۶(۲)، ۸-۲۰.
- جانستون، هنک (۱۳۹۸). جنبش اجتماعی چیست؟. تهران: ثالث
- حسینی، علی؛ یدالله نیا، هاجر، محمدی، منصوره، شکاری، سعید (۱۳۹۹). تحلیل تاب‌آوری اجتماعی بر اساس شاخص‌های سرمایه اجتماعی در شهر تهران. فصلنامه شهر پایدار، ۳(۱)، ۱۹-۳۹.
- حسینی المدنی، سیدعلی (۱۳۹۵). تاب‌آوری (فردی، خانوادگی و اجتماعی). تهران: دانژه
- خادمی، امیرحسین، رهنما، محمدرحیم، داوری، الهام (۱۴۰۰). بررسی آثار تحریم‌های هسته‌ای بر کیفیت زندگی شهروندان شهر آمل. پژوهشهای جغرافیای انسانی، ۵۳(۲)، ۳۸۹-۴۰۸.

- دستمالچی، مهدی (۱۳۸۹). کنترل ناآرامی های اجتماعی توسط پلیس از نگاه مطبوعات (ناآرامی های دانشجویی تهران سال های ۸۲ و ۷۸). پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۳(۴)، ۹۷-۱۱۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵). تبیین افول سرمایه اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۶(۲۳)، ۱۴۷-۱۷۱.
- ریبی، مهناز (۱۴۰۱). مطالعه تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و توزیع درآمد بر ناآرامی اجتماعی در ایران. پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۲(۱)، ۱۷۵-۲۰۴.
- رحیمی، محسن؛ کارگر، بهمن؛ حاتمی نژاد، حسین؛ زیویار، پروانه (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مؤلفه های تاب آوری اجتماعی بر امنیت در سکونتگاه های غیررسمی (مورد مطالعه: محله خط (۴) حصارکرج). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۶(۲۳)، ۱-۲۶.
- روستا، مجتبی؛ ابراهیم زاده، عیسی؛ ایستگلدی، مصطفی (۱۳۹۷). ارزیابی میزان تاب آوری اجتماعی شهری موردشناسی شهر زاهدان. پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۹(۳۲)، ۱-۱۴.
- سردارنیا، خلیل اله؛ رستم یگانه، حفیظ اله؛ قریشی، جمیل (۱۴۰۱). شکاف سیاسی- فکری و بحران اعتماد سیاسی و نهادی در ایران از دهه ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰. جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۱)، ۸۵-۱۰۹.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱). پژوهش در علوم سیاسی: رویکردهای اثبات گرا، تفسیری و انتقادی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش بینی کننده های مشارکت سیاسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲(۶)، ۳۳-۵۲.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴). مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. راهبرد فرهنگ، ۸(۲۹)، ۹۱-۶۱.
- غلامی، رضا؛ عاملی، سعیدرضا (۴ بهمن ۱۴۰۱). نشست تخصصی معنا و مبنای سرمایه اجتماعی. <https://farsnews.ir/>
- کاظمی، داود؛ عندلیب، علیرضا (۱۳۹۶). ارزیابی مؤلفه های مؤثر تاب آوری اجتماعی سکونتگاه های روستایی در شرایط بحرانی. مسکن و محیط روستا، ۳۶(۱۵۸)، ۱۳۱-۱۴۵.
- گل وردی، مهدی (۱۳۹۶). تاب آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۷(۲۵)، ۲۹۳-۳۱۰.
- گودرزی، محسن؛ کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۴۰۱). چه شد (داستان افول اجتماع در ایران). تهران: اگر

- مرکز رصد فرهنگی کشور (۲ خرداد ۱۴۰۱). ارزیابی سه موج طرح‌های ملی سرمایه اجتماعی کشور. ircud.ir
- مقیم، محمد (۱۳۸۶). روش موردکاوی و کاربردهای آن در علوم انسانی. روش شناسی علوم انسانی. ۷۱-۱۰۲، (۵۰) ۱۳
- مهدیلو، علی؛ ابوالحسنی، اصغر؛ رضایی، محسن (۱۳۹۸). رتبه بندی انواع تحریم های اقتصادی و برآورد شاخص مخاطرات تحریم با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی. نظریه های کاربردی اقتصاد، ۶(۲)، ۴۷-۷۲
- نادمی، یونس؛ حسونند، داریوش (۱۳۹۸). شدت تحریم ها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم ها از منظر حقوق بشر. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۹(۳۱)، ۱۷۱-۱۵۳
- Adger, W.N., Kelly, M., Winkels, A., Huy, L.Q., & Locke, C.(2002). Migration, Remittances, Livelihood Trajectories, and Social Resilience. *Ambio*, 31(4), 358-366. <https://doi.org/10.1579/0044-7447-31.4.358>
- Adger, W.N.(1997). *Sustainability and Social Resilience in Coastal Resource Use*. London: The Centre for Social and Economic Research on the Global Environment
- Alizadeh, H., & Sharif, A.(2022). Social Resilience Promotion Factors during the COVID-19 Pandemic: Insights from Urmia, Iran. *Urban Science*, 6(14), 1-14. <https://doi.org/10.3390/urbansci6010014>
- Bolzan, N., & Gale, F.(2011). Using an interrupted space to explore social resilience with marginalized young people. *Qualitative Social Work*, 1-15. <https://doi.org/10.1177/1473325011403959>
- Cacioppo, J.T., Reis, H., Zautra, A.(2011). Social Resilience The Value of Social Fitness With an Application to the Military. *America Psychologist*, 66(1), 43-51. <https://doi.org/10.1037/a0021419>
- Chandler, D.(2018). *Security through societal resilience: Contemporary challenges in the Anthropocene*. London: University of Thinking Forward Westminster.
- Fernández-Pardos, J.S., Lozano-Díaz, A., & Rodríguez, J.M.(2020). Factors explaining social resilience against COVID-19: the case of Spain. *European Societies*, 23(3), 1-11. <https://doi.org/10.1080/14616696.2020.1818113>
- Garcia, D., Mavrodiev, P., & Schweitzer, F.(2013). Social Resilience in Online Communities: The Autopsy of Friendster. *first ACM conference on Online social networks*, 39-50. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1302.6109>
- Kaye-Kauderer, H., Feingold, J., Feder, A., Southwick, S., & Charney, D.(2021). Resilience in the age of COVID-19. *Cambridge University Press*, -(27), 166-178. <https://doi.org/10.1192/bja.2021.5>

- Khalili, S., Harre, M., Morley, P.(2015). A temporal framework of social resilience indicators of communities to flood, case studies: Wagga wagga and Kempsey, NSW, Australia. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 13, 248-254. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2015.06.009>
- Keck, M., & Sakdapolark, P.(2013). What Is Social Resilience? Lessons Learned and Ways Forward. *Erkunde*, 67(1), 5-19. <https://doi.org/10.3112/erdkunde.2013.01.02>
- Koos, S., Vihalemm, T., & Keller, M.(2017). Coping with Crises: Consumption and Social Resilience on Markets. *Konstanzer Online-Publikations-System*, 41(4), 360-373. <https://doi.org/10.1111/ijcs.12374>
- Langridge, R., Christian-Smith, J., & Lohse, K.A.(2006). Access and Resilience: Analyzing the Construction of Social Resilience to the Threat of Water Scarcity. *Ecology and society*, 11(2), 1-16.
- Maguire, B., & Hagan, P.(2007). Disasters and communities: understanding social resilience. *The Australian Journal of Emergency Management*, 22(2), 16-20. <https://doi.org/10.3316/informit.839750155412061>
- Marshall, N.A., Fenton, D.A., Marshall, P.A., & Sutton, S.G.(2007). How Resource Dependency Can Influence Social Resilience within a Primary Resource Industry. *Rural Sociology*, 72(3), 359-390.
- Pelling, D.(2003). *The vulnerability of cities : natural disasters and social resilience*. London: Earthscan Publications.
- Saja, A.M.A., Teo, M., Goonetilleke, A., & Ziyath, A.M.(2018). An inclusive and adaptive framework for measuring social resilience to disasters. *Disaster Risk Reduction*, -(28), 862-873. <https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2018.02.004>
- Sakdapolark, P., Naruchaikusol, S., Ober, K., Peth, S., Porst, L., Rockenbauch, T., & Tolo, V.(2016). Migration in a changing climate. Towards a translocal social resilience approach. *Climate and Migration: Perspectives from Social and Cultural Geography*, 147(2), 81-94. <https://doi.org/10.12854/erde-147-6>
- Sapirestein, G.(2006). Social Resilience: The Forgotten Dimension of Disaster Risk Reduction. *Journal of Disaster Risk Studies*, 1(1), 1-8. <https://doi.org/10.4102/jamba.v1i1.8>